

معجزه اقتصادی آسیا ادامه می‌یابد؟

وارد عصر جهانی کردن سرمایه‌های خود بود و مردم فقیرش که سالها محرومیت کشیده بودند دیگر تحمل چشم‌پوشی از مصرف و مظاهر تکنولوژی مدرن نظیر ماهواره‌های مخابراتی را نداشتند، نمی‌توانست در راهی که ژاپن رفته بود گام بردارد، بدلیل وجود جمعیتی عظیم و محروم و تشنه مصرف، چینی‌ها مجبور بودند نظریه‌های توزیع درآمد عادلانه در جامعه خود را مد نظر داشته باشند. ویتامینها نیز همچون چینی‌ها جز اندیشیدن به اقتصادی که در خدمت عدالت اجتماعی باشد چاره‌ای نداشتند زیرا شکاف عمیق طبقاتی می‌توانست در آینده‌های نزدیک به انفجارهای اجتماعی منجر شود.

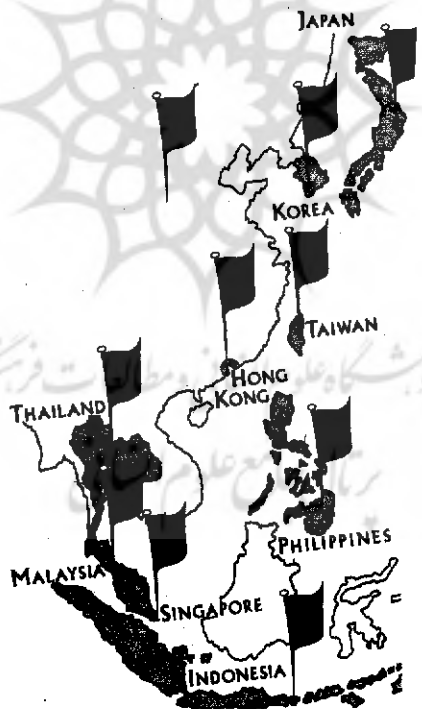
تدبیر دقیق ژاپنی‌ها!

جیمز رورر روزنامه‌نگار آمریکایی که بعدها به بانکداری روی آورد در کتابی تحت عنوان «خیزش آسیا» می‌نویسد: «حقیقت رشد سریع در آسیا در ابتدا بسیار جذاب و پرکشش است، اقتصاد کشورهای آسیایی - نخست ژاپن، کره جنوبی، هنگ‌کنگ، سنگاپور و تایوان و در این اواخر چین - از آنچنان توسعه‌ای پرشتاب برخوردار بوده‌اند که جهان هرگز چنین پدیده‌ای را به چشم ندیده است. سهم آسیا از ۲ درصد تولید ناخالص جهانی در سال ۱۹۶۰، به ۲۵ درصد در سال ۱۹۹۰ رسید. آسیا توانایی آن را دارد که در سال دو هزار این سهم را به سی درصد افزایش دهد و طبیعی است که در مقابل چنین توسعه پرشتابی غرب نمی‌تواند ساکت بماند و از تنم آن بهره‌ای نبرد.»

آمریکائیان با تهوری بیشتر به دنبال چنین سهمی هستند و در سومین گردهم‌آنی سران عضو کشورهای همکاری‌های اقتصادی آسیا و اقیانوس آرام که اخیراً در اوژاکای ژاپن تشکیل شد ادعای خود را برای منتفع شدن از سهمی که برای خویش در اقتصاد آسیا قائلند گشمان نکردند. ژاپنی‌ها در این کنفرانس به شیوه خود بر آزادسازی تجارت جهانی تأکید کردند ولی فشار را بر ارتقاء سطح مبادلات بازرگانی میان کشورهای آسیایی قرار دادند که تدبیری است دقیق برای ستروی کردن آمریکا در تجارت جهانی و جذب میلیونها شغل و بستن راههای نفوذ کالاهای غرب به کشورهای آسیایی. برای آمریکائیان چنین روشی خطرناکی مهلک در پی خواهد داشت و این کشور را از سهمی عظیم در تجارت جهانی محروم خواهد ساخت. دردناک‌تر برای آمریکائیان این که سایر کشورهای آسیایی که بطور سنتی وابستگی‌های فراوان به آمریکا داشته‌اند از طرح‌های ژاپن جانبداری و

وسیع و نیرومند اومبیلهای لویولای ژاپن و وسایل الکترونیکی سامونگه‌کره میدل شده بود.

اما این دوره نیز مانند دوران جنگ سرد به پایان رسیده است. در جهان امروز که اقتصادها یکی پس از دیگری از حالت بسته خارج می‌شوند و به صورت سیستم داد و ستد باز در می‌آیند موجهای ناشی از این سیستم نمی‌تواند در یکجا متوقف شود. زمانی که ژاپن و کره جنوبی حرکت‌های سریع اقتصادی و صنعتی خود را آغاز کردند بازرگانی جهانی با گشایشی پرشتاب حرکت خود را به سوی آزادی بیشتر داد و ستد آغاز کرد که موجب شد جهان با فرهنگی مصرفی که دست کم برای جهانیان تازه بود روبرو شود. از ویژگیهای بارز این دوره نفوذ دادن مصرف در میان توده‌های فقیر آسیایی بوسیله این دو کشور بود که نرخ ثابت بهره و به انحصار در



آوردن بازارهای پولی و سرمایه از مظاهر طبیعی این دوره در مناطق نفوذ ژاپن و کره جنوبی است. برای مثال، ژاپن در آن سالها به سهولت وام‌های مسکن و یا نرخ مالیات را برای تحت فشار قرار دادن مصرف‌کننده بالا می‌برد و از این ابزار برای تولید و صادرات بیشتر و خرید و مصرف کستر استفاده می‌کرد. ژاپن از این راه موفق شد ذخایر ارزی عظیمی فراهم آورد. اما چین که

از زمانی که مارکوپولو از سفرش به شرق بازگشت و افسانه‌های حیرت‌انگیز از عصر قویلای خان برای اروپائیان تعریف کرد، اروپا همواره با کنجکاوی به افسانه‌ها و اسطوره‌های آسیا نگریسته است. شرق برای اروپائیان سرزمین پر از اسرار با نژادها و فلسفه‌های متعدد که بر تارک همه آنها ادب و خلق و خوی خوش اجتماعی می‌درخشد، جلوه کرده است. جنگ دوم جهانی با وجود گستردگی توأم با خونریزیهای وحشیانه‌ای که در شرق داشت نتوانست به این خلق و خوی لطمه بزند؛ وسوم این سرزمین پهناور امروز پا به عرصه جهان نو گذاشته و باز هم غرب را در بهت و حیرتی ژرف فرو برده است. آخرین اسطوره نوین آسیا امروزه یک «معجزه» تبدیل شده و عناصری جدید به دنیا ارائه داده که در هیچ جای دیگر جهان نظیری برایش شناخته نیست. نتیجه آنکه عصر استعمار و حاکمیت خشن آن بر سرزمینهای آسیایی محو شده و آثار آن در انبوه عظیم موفقیت‌های این کشورها به کلی رنگ باخته است. امپراطوریهای اقتصادی در هر گوشه و کنار این سرزمین سربر آورده‌اند که انحصارها و تراست‌های غرب را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارند. اسرار این موفقیت‌ها است که غرب را انگشت به دهان کرده و در این حیرت فرو برده است که با این اسطوره نوین آسیا چه کند؟ برخورد کند؟ کنار بیاید؟ روشهای خصمانه در پیش گیرد؟ و یا خصمانه بپذیرد که در مقابل آسیا به زانو درآمده، یا بزودی در خواهد آمد.

ژاپن از دهه ۱۹۵۰ - ۱۹۶۰ به عنوان پیشناز موفقیت‌های اقتصادی و صنعتی در آسیا همواره برای کشورهای در حال توسعه الگو بود و دولتهای کمتر پیشرفته آسیایی برای گام نهادن در جاده رشد و توسعه شیوه‌های اجرایی مدیریت ژاپنی را تقلید می‌کردند. اما پس از گذشت چند دهه، امروز دیگر ژاپن تنها الگو نیست و در آسیا مدل‌های متعدد ظاهر شده‌اند: کشورهای چون مالزی و اندونزی که به علت فقری که در گذشته دامگیرشان بوده تشنه مصرفند الگوهای جدیدی برای توسعه ارائه داده‌اند که با الگوهای ژاپنی و کره‌ای که می‌گوید کمتر مصرف کن و بیشتر صادر کن و ذخایر حاصل از صادرات را به عنوان ذخیره ارزی نگهدار، به کلی متفاوت است. اتفاقاتی که در دوران جنگ سرد در آسیا افتاد برای غرب غافلگیرکننده بود و هنگامی که غرب که عمیقاً درگیر مسائل ناشی از جنگ سرد بود چشم بر این اتفاقات گشود و خود را در مقابل عملی انجام شده یافت که برای رویارویی با آن بسیار دیر شده بود: بازار اسباب‌بازیهای کم‌بای پلاستیکی به بازار

آموزش و رشد نیروی کار با مشکلات فراوان روبرو خواهند شد و هم اینک مجبور شده‌اند نیروهای متخصص را وارد کنند لکن روزی خواهد رسید که از پس نگهداری متخصصان خارجی برخواهند آمد.

الوین یانگ اقتصاددان دانشگاه بوستون می‌گوید: رشد و توسعه‌ای از این دست ظاهری فریبنده دارد ولی از درون بی‌کفایت است. چنین پدیده‌ای در اتحاد شوروی سابق هم که در سالهای ۱۹۵۰ به رشد سریع اقتصادی منجر شد ولی به علت بی‌کفایتی سرمایه‌های بسیار را به باد داد، دیده شده است. یانگ می‌گوید کارآئی جامع اقتصاد در سنگاپور با همه پیشرفت‌هایش شبیه سرمایه‌گذارهای عظیم اتحاد شوروی بود که به علت فقدان جامعیت واقعی از آن میزان بازدهی که انتظار می‌رفت بی‌بهره ماند. پکن و سایر رژیم‌های مشابه به دنبال رسیدن به رشد منتهای دموکراسی هستند و نمای رشد اقتصادیشان فریبنده ولی بی‌بنیاد است. این کشورها نسبت به غرب از تکنولوژی پیشرفته برخوردار نیستند و چون تکنولوژی است که در قرن بیست و یکم سر نوشت اقتصادها را رقم می‌زند کافی است آسیائیا برای رسیدن به تکنولوژی پیشرفته متوجه شوند که هزینه تولید و نیروی انسانی آنچنان اوج گرفته است که قدرت رقابت با غرب را از آنها سلب می‌کند.

ماخذ: نیوزویک - ۲۰ نوامبر ۱۹۹۵
یگردان از سرویس لوجه، گزارش.

به تاسی از ژاپن همه تلاش خود را در جهت صادرات کالا به کار گرفته‌اند که گرچه خود فریب و ثروتمند شده‌اند ولی کشورهای دیگر را که در مراحل اولیه توسعه قرار گرفته‌اند با مشکلاتی که در نهایت به فقیرتر شدن آنها می‌انجامد روبرو ساخته‌اند. اما آیا اتخاذ چنین سیاست‌هایی تصویری از موفقیت به غریبها ارائه می‌دهد؟ پاره‌ای اقتصاددانان غربی در اظهار نظر قطعی در این زمینه تردید می‌کنند و برای توجیه تردید خود عنصر بازدهی جماع یک اقتصاد را مطرح می‌نمایند، آکادمیسینها و نه دست‌اندرکاران مستقیم صنعت و داد و ستد می‌گویند که آسیائیا و اقتصاددانان نشان نمی‌دانند واقعا به کجا می‌روند: داده‌ها به ما می‌گوید که معجزه آسیایی از نظر باورهای مردم کمتر به معجزه شبیه است. کروگمن Krugman یکی از برجسته‌ترین کارشناسان اقتصاد بین‌المللی که معتقد به معجزه آسیائی نیست می‌گوید: تنها دو راه برای رشد اقتصادی وجود دارد: توزیع عناصر لازم برای رشد، مانند تخصیص منابع مالی و سرمایه‌گذاری، تقویت نیروی کار و آموزش بهتر به آن به منظور بخشیدن کارآئی بیشتر به نیروی انسانی و افزایش بازدهی این سرمایه‌گذارها و اقدام برای کارآئی و بازدهی و سرشت بخشیدن به روند آن در بلند مدت. این نوع کارآئی تنها راه رسیدن به رشد است چرا که به هر حال منابع مالی برای سرمایه‌گذاری محدود است و ملتها روزی از تأمین آن عاجز می‌مانند، مازایالیا به رقم وسوسه‌انگیز ۸ درصد رشد سریع رسیده‌اند ولی برای

پیروی می‌کنند. جلوگیری از دادن بخشی از بازارهای آسیا به آمریکا به وسیله شبکه بازرگانان ژاپنی، کره‌ای و چینی که اینک قادر شده‌اند با حرکتی نه چندان مشکل میلیاردها دلار را جابجا کنند، و یا به عبارتی دیگر از چنگ بازرگانان آمریکائی درآورند، برای ابرقدرتی چون آمریکا دردناک و دلخراش است.

آمریکائیاها برای توجیه شکست‌های خود در آسیا و جبران این شکست‌ها تلاش می‌کنند با بزرگ‌نمایی تفاوت‌های ملی، فرهنگی و سنتی میان کشورهای آسیائی کره‌های برای کسب موفقیتی که دیگر چون گذشته به سهولت بدست نمی‌آید بیایند. اقتصاد این کشورها را به زیر ذره‌بین می‌برند و تفاوت‌های آن را به رخ می‌کشند و این تفاوت‌ها را با اصول کاپیتالیسم و آزادی داد و ستد مغایرت می‌دهند. ولی تاریخ مدرن آسیا و بویژه آسیای جنوب شرقی نشان می‌دهد که این کشورها مشابهات و وجوه مشترک فراوان با یکدیگر دارند: آنها طی سالهای طولانی، و در دوران جنگ سرد میان دو چنگک سیستم حکومتی اتحاد شوروی و ایده‌آلهای کاذب آزادی و لیبرالیسم ایالات متحده آمریکا دست و پا زده‌اند، در صحنه‌های سیاسی پاره‌ای از آنها زیر پیوغ حکومت‌های خوردگامه و پست‌های دیگر در فضای دموکراسی‌ها (بنا واقعی و بنا نیم‌بند) روزگار به سر آورده‌اند، تقریباً همه این کشورها اقتصادشان را بر پایه بالا بردن حجم پس‌انداز و جمع‌آوری ذخایر ارزی که نهایتاً به بوروکراسی‌های دولتی منجر می‌شود بنا نهاده‌اند،

دوره‌های صحافی شده مجله گزارش

« آرشیو یک ماهنامه مستقل و مستند »

آماده توزیع شد

- دوره اول (شماره‌های ۱-۱۲) موجود نیست
- دوره دوم (شماره‌های ۱۳-۲۵) موجود نیست
- دوره سوم (شماره‌های ۲۶-۳۷)
- دوره چهارم (شماره‌های ۳۸-۵۰)

برای دریافت هر یک از دوره‌های سوم و چهارم مبلغ بیست و دو هزار ریال به حساب ۴۰۳/۸۵۰۰۰۰۰۰ به نام مجله گزارش عهده بانک سپه، شعبه دانشگاه، میدان انقلاب تهران واریز و قبض آنرا همراه با نشانی کامل متقاضی به آدرس ماهنامه گزارش تهران، صندوق پستی ۱۴۱۵۵۵۴۶۷، ارسال فرمائید.